

## سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی برای توسعه؛

### ارائه یک چارچوب

تألیف و ترجمه: ناصر باهنر

تاریخچه این مطالعات و اصول و قواعد علمی کار، در این مقاله سعی شده است در رابطه با این موضوع، نکاتی مهم به اختصار بیان شود در پایان چارچوب‌های مطرح شده در این باره معرفی شود.

#### مفاهیم و تعاریف بحث

ارتباطات مفهومی انعطاف‌پذیر دارد تا جایی که می‌تواند انواع ارتباطات میان فردی، نهادی و توده‌ای را شامل شود و اگر به آن به عنوان یک فراگرا نگریسته شود، در قالب گستره‌ای از واژه‌ها قابل فهم است. این مفهوم از دیدگاه‌های مختلف تعاریفی متفاوت خواهد داشت. از دیدگاه روانشناختی یکی از نیازهای آدمی و از دیدگاه فلسفی حقی است که منجر به

کشورهای سرمایه‌داری مسأله پیش‌بینی و هماهنگی ابتدا در واحدهای کوچک مطرح شد و سپس ابعاد منطقه‌ای و کشوری یافت.<sup>۱</sup> ارتباطات به عنوان یک حوزه علمی جوان دیرتر از سایر حوزه‌ها به موضوع سیاستگذاری و برنامه‌ریزی پرداخت. اقتصاد نخستین حوزه علمی است که برنامه‌ریزی آن مورد توجه قرار گرفت و پس از آن دو مقوله سیاست و فرهنگ به برنامه‌ریزی روی آوردند. یونسکو نیز که توسعه را موضوع مطالعات خود قرار داده است، از این دیدگاه به بحث و بررسی در خصوص سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ارتباطی پرداخته و مطالعات متنوعی را سامان بخشیده است. با مرور تعدادی از این مطالعات و با توجه به مفاهیم و تعاریف مطرح شده در آن و همچنین

#### مقدمه

سیاست و برنامه در معنای عام آن، از ابتدای حیات بشر مطرح بوده است و به عنوان یکی از مقتضیات حضور عقل در زندگی فردی و اجتماعی کاربرد آگاهانه و یا ناخودآگاه داشته است. اما سیاستگذاری و برنامه‌ریزی به عنوان یک رشته علمی و نظام مبتنی بر اصول از پیش تعیین شده و مطالعات قانونمند، پدیده‌ای نوپا و جوان شمرده می‌شود. نظام برنامه‌ریزی نخست از انقلاب شوروی بیرون تراوید که بیش از هر چیز زاینده تحولات اجتماعی بود و صبغه‌ای اقتصادی داشت. در شوروی و کشورهای شرقی هم‌مسلك آن، برنامه‌ریزی ابتدا در سطح ملی آغاز شد و سپس به جمهوری‌ها و مؤسسات کوچک منتقل شد در حالی که در

■ سیاست و برنامه در معنای عام آن، از ابتدای حیات بشر مطرح بوده است و به عنوان یکی از مقتضیات حضور عقل در زندگی فردی و اجتماعی کاربرد آگاهانه و یا ناخودآگاه داشته است.

■ نظام برنامه‌ریزی نخست از انقلاب شوروی بیرون تراوید که بیش از هر چیز زائیده تحولات اجتماعی بود و صبغه‌ای اقتصادی داشت.

■ ارتباطات به عنوان یک حوزه علمی جوان دیرتر از سایر حوزه‌ها به موضوع سیاستگذاری و برنامه‌ریزی پرداخت.

جریان دو سویه اطلاعات می‌شود. از دیدگاه زیباشناختی، یک فعالیت خلاقانه و از دیدگاه اجتماعی - اقتصادی یکی از منابع قابل تخصیص، نگهداری و باز توزیع مانند دیگر منابع تلقی می‌شود. اگر چه ارتباطات به معنای رسانه‌ها نیست ولی از اینجا به مجموع کانال‌ها و نهادهای رسانه‌ای اطلاق می‌شود که دارای یک پایه فن آورانه هستند. از این‌رو، علاوه بر رسانه‌های توده‌ای، رایانه، نظام‌های اطلاع‌رسانی دوربرد، تلفن و نیز جریان اطلاعات و انتشار و از این دست را شامل می‌شود. رسانه یک وسیله و ابزار است، زمانی که بحث از توسعه به میان می‌آید، ضرورت سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای تحقق توسعه‌ای مبتنی بر پیش‌بینی‌های دقیق و با برنامه مطرح می‌شود. سیاست به مجموعه‌ای از اندیشه‌ها و اقدامات و راهبردهایی که یک محور مرکزی داشته باشد.<sup>۱</sup> اطلاق می‌شود و زمانی که به نقش دولت در سیاستگذاری توجه کنیم سیاست را بنابر تعریف یونسکو، می‌توان مجموعه‌ای از اصول عملی و بدنه‌ای از فعالیت‌های اداری و بودجه‌ای و شیوه‌هایی که پایه‌ای برای اقدام توسط دولت را فراهم می‌آورد.<sup>۲</sup> تعریف کرد. هر سیاستگذاری بر مبنای یک جهان‌بینی انجام می‌شود که برای شناخت هر سیاست باید نخست جهان‌بینی را شناخت. از سوی دیگر برنامه‌ریزی مولود سیاست است و به دنبال تعیین سیاست‌ها

در یک دوره زمانی، برنامه‌ریزی ضرورت می‌یابد. بنابر آنچه گفته شد، بیان ارتباطی مجموعه‌ای از هنجارها، استانداردها و اصولی که بر رفتار ارتباطی حاکم است<sup>۳</sup> تعریف می‌شود.

برای برنامه‌ریزی تعریف‌های متعددی بیان شده است. از آنجا که برنامه‌ریزی از تفکر چپ با تمرکز بر توسعه اقتصادی نشأت گرفته است. نخستین تعاریف با چنین دیدگاهی طرح شده‌اند که از جمله می‌توان به این تعریف اشاره کرد. «برنامه‌ریزی فعالیتی است جمعی که در آن تولیدکنندگان کشور با در نظر گرفتن قانون‌های اقتصاد و نیز مشخصات توسعه اجتماعی، هدف‌های هماهنگ در تولید و مصرف تعیین می‌کنند.»<sup>۴</sup>

در تعریف دیگری از این مفهوم آمده است: «برنامه‌ریزی ایجاد یک مکانیزم هدایت منطقی عملیات و یا بهترین نوع استفاده از منابع و امکانات موجود (اعم از امکانات و منابع بالفعل یا بالقوه) در جهت تأمین هدف‌ها (اساسی‌ترین نیازهای جامعه) است.»<sup>۵</sup> در حقیقت برنامه‌ریزی پاسخ‌های حساب شده برای سؤال‌های زیر است:

۱. غرض و هدف اصلی از انجام این کار چیست؟
۲. با چه روشی بهتر می‌توان این کار را انجام داد؟
۳. به چه نوع وسایلی نیاز داریم.
۴. مراحل انجام عمل دارای چه نظمی

است و به چه روش‌هایی انجام می‌شود؟

۵. با چه ضوابطی باید انجام این عمل

و نتایج به دست آمده را ارزشیابی کرد؟

به این ترتیب در مفهوم برنامه پنج

عنصر یا رکن اساسی نهفته است. هدف،

روش، وسایل، عمل، ارزشیابی.<sup>۶</sup>

اصولاً برنامه‌ریزی از دو مرحله جداگانه

اما مرتبط با هم - طراحی و اجرا - تشکیل

شده است که در مرحله طراحی نباید هیچ

اقدامی صورت داد. البته در مرحله

طراحی، محاسبات و پیش‌بینی‌های لازم

درباره ترتیب اجرا و ضوابط ارزشیابی

نیز مدنظر قرار می‌گیرد. پس از پایان

مرحله طراحی نباید کار برنامه‌ریزی را

تمام شده تلقی کرد. بلکه باید توجه داشت

که مرحله بسیار مهم و اساسی برنامه‌ریزی

یعنی مرحله اجرای برنامه طراحی هنوز در

پیش‌روی قرار دارد زیرا در مرحله اجرا

نقاط ضعف و قوت یک برنامه آشکار

می‌شود.

بر پایه آنچه بیان شد می‌توان

برنامه‌ریزی ارتباطی را «تهیه برنامه‌های

بلندمدت و کوتاه‌مدت برای استفاده کارا

از منابع ارتباطی در بستر اهداف، ابزار و

اولویت‌های یک جامعه خاص»<sup>۸</sup> تعریف

کرد. جامعه با این تعریف می‌تواند به

وسعت یک جماعت یا نهاد کوچک باشد،

در حد یک کنسرسیوم منطقه‌ای بزرگ، که

اهمیت این مسأله در تعیین مخاطبان

خواهد بود. برنامه‌ریزی ارتباطی نیز در

خلاء اتفاق نمی‌افتد، بلکه در اجرای آن

باید فرایند تصمیم‌گیری، تخصیص منابع

مالی و پشتیبانی و رفتار اقتصادی و

اجتماعی را به حساب آورد. به عبارت

دیگر، برنامه‌ریزی ارتباطات هم دارای

ترکیب ثوریک و هم کاربردی است.

از آنجا که برنامه‌ریزی با توسعه

پیوندی نزدیک دارد، باید تعریفی از

توسعه نیز ارائه داد. توسعه به معنای

تحول بخشیدن به یک جامعه خاص است

با سرعتی بیش از آنچه که در جریان رشد

تاریخی عادی آن اتفاق می‌افتد و به بالا

رفتن ظرفیت مادی و معنوی نظام

اجتماعی و رسیدن به سطوحی جدید از پیچیدگی، نظم و نوآوری منجر می‌شود. توسعه فرایندی چند بعدی است. از نظر اقتصادی توسعه مستلزم افزایش ظرفیت تولید به عنوان عامل زاینده و فرسایش منابع طبیعی به عنوان عامل بازدارنده و نهایتاً سبب بالا رفتن سطح زندگی است. از نظر سیاسی توسعه را می‌توان افزایش کارایی سازمان‌های سیاسی برای حل و فصل تضادهای منابع فردی و گروهی جامعه دانست. از نظر اجتماعی گسترش ظرفیت ساخت‌ها و کارویژه‌های اجتماعی

به‌شمار می‌آید. این نابرابری‌ها که میان کشورهای غنی و فقیر و نیز در درون جوامع پیشرفته وجود دارد باید در خلال برنامه‌ریزی تقلیل یابد.

### سیر تاریخی سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات

تاریخچه سیاستگذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات یک حرکت تدریجی به سوی نظام‌های مرتبط با ارتباطات بوده است و نمی‌توان سیر تاریخی آن را به دقت روشن نمود. آنچه که امروزه به‌طور مشخص

رسانه‌ای، سیستم‌های ارزشی و عملی ارتباط‌گران و درک ایشان از نقش خود در جامعه می‌شد. علاوه بر این در خصوص نیاز به تحقیق در زمینه اهداف سیستم‌های ارتباط جمعی و اهداف قابل دسترسی در آینده تأکید به عمل آمد. این تحقیق در اهداف می‌توانست در تبیین سیاست‌ها و مقاصد مربوط به هر جامعه کمک کند و به سیاستگذاران مبانی جدیدی را در خصوص تحقق ارتباطات جمعی و ارائه تئوری‌های کلی مربوط به آن پیشنهاد کند.

به این ترتیب، سیاستگذاری در ارتباطات، هنوز در ابتدای راه خود قرار داشت تا این که در سال ۱۹۷۱ یک کمیته مشورتی، طرحی را در خصوص برنامه بین‌المللی تحقیق در ارتباطات در یونسکو ارائه کرد و در آن خصوص نکات دقیق‌تری را یادآوری کرد. در این طرح آمده بود که هر برنامه تحقیقاتی ارتباطات باید متضمن پاسخ به چند پرسش باشد، چه کسی رسانه‌ها را اداره و کنترل می‌کند؟ رسانه‌ها در خدمت اهداف چه کسانی هستند؟ از چه منابعی بهره می‌جویند؟ طبیعت تولیدات آنها چیست؟ چه نیازهایی را باید پاسخ بگویند و کدام نیازها را نباید برآورده سازند؟ به‌طور خلاصه این که ما برای سیاستگذاری نیازمند چه دانش‌هایی هستیم که پاسخ به این پرسش یا انجام تحقیقاتی پیش از این مرحله روشن می‌شود. این سیاست‌ها باید بر دانش‌هایی فراگیر و متناسب با نیازهای جامع و نیز بر دانش‌هایی خاص متناسب با نیازهای اختصاصی مبتنی باشند.

این کمیته از یک سو توانست مفهوم سیاست‌ها را به عنوان «اظهاراتی در خصوص رفتار ارتباطی در سطح جامعه که جهت و انگیزه‌ای را برای سیستم‌های ارتباطات مشخص می‌کند» ارائه کند. از سوی دیگر مفهوم برنامه‌ریزی برای ارتباطات را در سطحی کلی‌تر از برنامه‌ریزی سازمانی معرفی کرد. سیاست‌ها اصولاً اظهاراتی سیاسی هستند که در مرحله بعد به صورت اهداف در

### ■ ارتباطات مفهومی انعطاف‌پذیر دارد تا جایی که می‌تواند انواع

ارتباطات میان فردی، نهادی و توده‌ای را شامل شود.

### ■ ارتباطات از دیدگاه روانشناختی یکی از نیازهای آدمی و از

دیدگاه فلسفی حقی است که منجر به جریان دو سویه اطلاعات می‌شود.

### ■ زمانی که بحث از توسعه به میان می‌آید، ضرورت

سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای تحقق توسعه‌ای مبتنی بر پیش‌بینی‌های دقیق و با برنامه مطرح می‌شود.

■ در مفهوم برنامه پنج عنصر یا رکن اساسی نهفته است: هدف، روش، وسایل، عمل، ارزشیابی.

### ■ برنامه‌ریزی ارتباطی را می‌توان تهیه برنامه‌های بلندمدت و

کوتاه‌مدت برای استفاده کارا از منابع ارتباطی در بستر اهداف،

ابزار و اولویت‌های یک جامعه خاص تعریف کرد.

نتیجه توسعه است که خود مستلزم ایجاد نظام عقلانی و قانونی اداری است.

از دیدگاه ارتباطی، توسعه فراگردی است که با تقویت و تعمیم ارتباطات اجتماعی به عنوان عامل زاینده در درون خود نوعی همسازی جمعی را نیز دامن می‌زند. اما نهایتاً باید در سطوح فردی همسازی‌های جدید را سامان دهد. نکته اصلی در این بیان از توسعه این است که توسعه تلاشی برای از میان برداشتن نابرابری‌های موجود در خصوص فرصت‌ها، منابع و دسترسی به اطلاعات

موجود است. اسناد مربوط به کنگره‌های علمی یونسکو و قطعنامه‌های صادره در این خصوص می‌باشد. از جمله می‌توان به گردهم‌آیی متخصصان ارتباط جمعی و جامعه در مونترال به سال ۱۹۶۹ اشاره کرد، یک کارگروهی در خصوص اصول فراگیر تحقیق ارتباطی به‌شمار می‌آید. در این گردهمایی بر تحقیقات سیستمی در حوزه ارتباط جمعی و در تمامی سطوح و زمینه‌ها تأکید شد. این مسأله شامل تحلیل سازمان ارتباطی، مالکیت و پشتیبانی مالی، فرایند تصمیم‌سازی در اخلاق تولید

آمده و از مفروضاتی در خصوص فلسفه و ساختار اجتماعی محیط نشأت می‌گیرند. گفت‌وگوهای متخصصان در خصوص سیاست‌ها در دهه ۷۰ اغلب در سطح فراملی و بین‌المللی مطرح می‌شد و شامل مسائلی همچون متعادل ساختن جریان اطلاعات، انتقال تکنولوژی‌ها و اقدامات فراملی بود. از سوی دیگر این گفت‌وگوها در زمینه برنامه‌ریزی کمتر در معرض مجادله و مناقشه بوده و به عنوان مقوله‌ای که بیشتر با ساخت چارچوب‌ها و روش‌هایی که به تفسیر عقلانی سیاست‌ها کمک کند تعبیر می‌شد.

نخستین تعریف تخصصی سیاست‌های ارتباطی به سند ۱۹۷۲ یونسکو باز می‌گردد.

«سیاست‌های ارتباطی مجموعه‌ای از اصول و هنجارها می‌باشند که برای هدایت رفتار نظام‌های ارتباطی بنیان نهاده شده‌اند این نوع نگاه، بنیادی و شامل طیفی وسیع است همان‌گونه که شامل اقدامات عملی در طیفی محدود می‌باشد. سیاست‌ها در فضای توجه عمومی جامعه به ارتباطات، شکل می‌گیرد که از ایدئولوژی‌های سیاسی، شرایط اقتصادی و اجتماعی کشور و ارزش‌های مبتنی بر آن نشأت گرفته‌اند. آنها تلاش می‌کنند تا خود را به نیازهای حقیقی و موقعیت‌های ارتباطات مرتبط سازند.

سیاست‌های ارتباطی در هر جامعه‌ای وجود دارد اگر چه ممکن است اغلب مخفی و پنهان باشد. بنابراین آنچه مورد نظر است ارائه یک پدیده کاملاً جدید نیست بلکه بیان روشن و قاعده‌مند فعالیت‌هایی است که پیش از این در جامعه وجود داشته است... فراتر از سیاست‌ها، برنامه‌ریزی استراتژیک قرار دارد که در خصوص راه‌های جایگزین برای تحقق اهداف با طیف وسیع، تصمیم‌گیری می‌کند و قالب‌های مرجع را برای برنامه‌های اجرایی با طیف محدود تنظیم می‌نماید. برنامه‌ریزی استراتژیک به مقاصد کمی شده و دیدگاه‌های

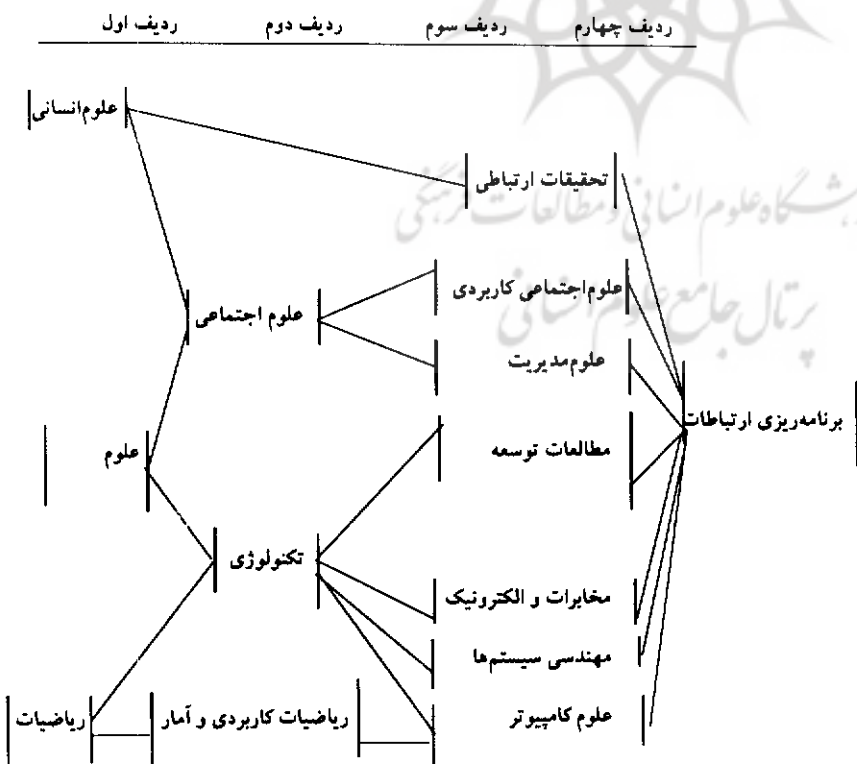
سیستماتیک به اهداف عمومی سیاست‌های ارتباطی تعبیر می‌گردد.

برنامه‌ریزی عملیاتی (Operational) سیاست‌ها و برنامه‌های استراتژیک را به الزامات منابع مادی و انسانی برای ساختار اداری و اجرایی و بخش‌های خروجی برنامه و راه‌های ارتباط با آن فراتر از فرایند تولید و توزیع ترجمه می‌کند... برنامه‌ریزی استراتژیک و بلندمدت و برنامه‌ریزی عملیاتی، فرایندی واحد و مستمر هستند... و بیش‌ترین رضایت از کار زمانی حاصل خواهد شد که از چند مرحله به صورت موفقیت‌آمیز گذر کند: سیاست‌ها، استراتژی‌ها، برنامه‌ریزی عملیاتی و بودجه‌بندی»<sup>۱</sup>

سیر تحول دانشگاهی سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات

از آنجا که گزارش‌های رسمی محدودیت‌های خود را دارند، بررسی جریان‌های دانشگاهی و علمی که منجر به توافقاتی برای تفکر درباره سیاست‌گذاری و

برنامه‌ریزی ارتباطات شده است، مفید خواهد بود. به این علت نمودار شماره یک ارائه شده است که تحول دانشگاهی این حوزه را ترسیم می‌کند. در این نمودار چهار ردیف که تقریباً تاریخی هستند مشخص شده‌اند. ردیف نخست بیانگر تفکیک سنتی ماقبل صنعتی جهان دانشگاهی به نام علوم انسانی، علوم و ریاضیات است. ردیف دوم (قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰) بیانگر پیدایش علوم اجتماعی، تکنولوژی و حوزه‌های کاربردی ریاضیات است که در صنعتی شدن نقش داشت. ردیف سوم به جداسازی رویکردهای (روش‌ها) متأخرتر (ناشی از ردیف سوم) پرداخته است که بیشتر با برنامه‌ریزی ارتباطی تناسب دارد و از دهه ۱۹۳۰ شروع شد و در دهه ۱۹۶۰ با افزایش تقاضای تجاری، اقتصادی و اجتماعی به‌طور قابل توجهی افزایش یافت. این نمودار در بیان جریان‌های مذکور کامل نیست، بلکه فقط نمایانگر تمرکز تدریجی بر دانش و مهارت‌هایی



نمودار شماره ۱: تحول برنامه‌ریزی ارتباطات

است که منجر به شکل‌گیری حوزه برنامه‌ریزی ارتباطی (ردیف چهارم) شد. علاوه بر این ما نیاز به بررسی حوزه‌های ترکیبی با استفاده از سه حوزه اصلی تحقیقات ارتباطی، تکنولوژی و علوم اجتماعی کاربردی داریم.

### مطالعات ارتباطی

مفهوم انسانی آموزش حاکمی از دیدگاهی به هم پیوسته بود. اما با گسترش مرزهای تحقیق دانشگاهی، نیاز به تخصص احساس شد و ذهنیت جامع و

خلاقیت و ارتباط است.

جنگ دوم جهانی موجب پیشرفت‌هایی شد. تئوری اطلاعات و الکترونیک، برخی مدل‌های فراگردی را در دهه ۱۹۴۰ عرضه کرد. مطالعات مربوط به پذیرش نوآوری‌ها و مطالعات روانشناسان رفتارگرا و تعدادی دیگر منجر به ارائه مدل‌ها و تئوری‌هایی شد. یکی از ویژگی‌های این پیشرفت جدید، رویکرد کاملاً علمی به تئوری ارتباطات با بهره‌گیری از تکنیک‌های آزمایشگاهی، آماری و روش‌های میدانی بود.

■ از دیدگاه ارتباطی، توسعه فراگردی است که با تقویت و تعمیم ارتباطات اجتماعی به عنوان عامل زاینده در درون خود نوعی همسازی جمعی را نیز دامن می‌زند.

■ توسعه تلاشی برای از میان برداشتن نابرابری‌های موجود در خصوص فرصت‌ها، منابع و دسترسی به اطلاعات به‌شمار می‌آید.

فراگیر قبلی شکسته شد که در نمودار ۱ ترسیم شده است. به تدریج خطرات فوات‌خصوصی شدن در قرن بیستم بروز کرد و دلیل عمده آن تقسیم شدن دانش به شعبات مختلف بود که از انتقال یک تخصص به تخصص دیگر جلوگیری می‌کرد. برخی از حوزه‌های علمی با این انتقال رشد زیادی کرد، علاوه بر این حوزه‌های موضوع مدار مانند برنامه‌ریزی اقتصادی یا آموزشی نیاز به مجموعه‌ای از تخصص‌ها همچون مطالعات مدیریت، جامعه‌شناسی، اقتصاد و ... داشت. برنامه‌ریزی ارتباطی نیز جزء این مقوله به‌شمار می‌آید چرا که مطالعات ارتباطی دربرگیرنده روش‌های مختلفی است و این حوزه گاه چند روشی و گاه میان روشی است که هر دو جنبه فراگیر و جزء‌گرا را شامل می‌شود. تئوری‌های فیزیک پایه پیشرفت‌های تکنیکی ارتباطی و علوم کاربردی و فن‌آوری، پدید آورنده اشکال جدید ارتباط جمعی هستند. همچنین علوم اجتماعی با تأثیرات و فراگردهای ارتباطات و علوم انسانی با محتوا و

ارتباطی، سبب به وجود آمدن سنت تازه‌ای شد که به دنبال آن مطالعات ارتباطی با موضوعات سیاست اجتماعی ارتباط پیدا کرد. مطالعات ارتباطی در طول سال‌هایی که سپری کرده است برخی الگوهای توصیفی در خصوص فراگردهای ارتباطی و برخی روش‌های تجربی برای تحلیل آنها ارائه کرده است، اما تا زمان پیدایش احساس نیاز به سیاست ارتباطی، نیاز به برنامه‌ریزی ارتباطی آشکار نشد.

ارتباط میان مطالعات ارتباطی و حوزه برنامه‌ریزی را باید در علوم اجتماعی و به ویژه در تئوری توسعه اقتصادی جست‌وجو کنیم زیرا با طرح سیاست‌های توسعه، به برنامه‌ریزی در مقوله توسعه ارتباطات نیز توجه شد. برای موفقیت در برنامه‌ریزی ارتباطات نیازمند روش‌شناسی‌ها و فنون خاصی هستیم که امروزه دانشگاه‌ها در این گونه مطالعات نقش مهمی ایفا می‌کنند. علوم اجتماعی کاربردی نظیر مطالعات مدیریت و بازرگانی از جمله این نیازهاست. شاید سودمندترین جنبه مطالعات مدیریت و بازرگانی از نقطه نظر برنامه‌ریزان ارتباطی، زمینه‌های مربوط به تصمیم‌سازی و سیاست بخشی، تعامل درون گروهی، حل نزاع‌ها و تکنیک‌های برنامه‌ریزی گروهی باشد. در سطح کلان، سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ارتباطی از علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی، علم سیاست، روانشناسی و علوم رفتاری و تئوری سازمانی و تصمیم‌سازی بهره می‌گیرند. فن‌آوری نیز در برنامه‌ریزی ارتباطی نقش مؤثری داشته است. اگر از دیدگاه برنامه‌ریزی به فن‌آوری نگاه کنیم، خواهیم دید تا چندی پیش برنامه‌ریزان تابع مهندسان بودند. به این معنا که مهندسان در تنهایی خود ابزار را اختراع می‌کردند و برنامه‌ریزان می‌کوشیدند از این فن‌آوری جدید استفاده کنند. در حالی که امروزه با تعیین نیازها و اهداف اجتماعی، فن‌آوری نیز در فرایند برنامه‌ریزی ارتباطات سهیم هستند تا سیستم‌های فنی

در دهه ۱۹۴۰ سنت مطالعه ارتباطات جمعی پا گرفت که در برخی موارد ناشی از گرایش مدرنیته در برخی موارد ناشی از وجود کمک‌های مالی به ویژه از سوی دولت‌ها و صنایع رسانه‌ای بود. در دهه ۶۰ و پس از آن بحث دیرین میان علوم و علوم انسانی در تحقیقات ارتباطی انعکاس پیدا کرد. در این خصوص تفاوت‌هایی میان طرفداران تحقیقات آزمایشگاهی در شرایط کنترل شد و مطالعات افکار و تأثیر آنها در جهان خارج مدنظر بوده که برخی را به اصول علوم تجربی متمایل می‌کرد و برخی را در تحقیقات ارتباطی به مخالفت با آن برمی‌انگیخت این نوع از تحقیقات در دهه ۶۰ به عنوان مسائل دنیای در حال توسعه مورد توجه قرار گرفت تا جایی که ویلیام شرام در سال ۱۹۶۴ بیان داشت که قدرت کامل ارتباطات در هیچ کشور در حال توسعه‌ای برای پیشبرد و توسعه اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار نگرفته است. تحقیقات جدید بر اثر تجربه‌های میدانی و تحلیل کارکردی رفتارهای

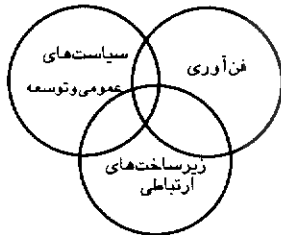


■ تحقیقات جدید بر اثر تجربه‌های میدانی و تحلیل کارکردی رفتارهای ارتباطی، سبب به وجود آمدن سنت تازه‌ای شد که به دنبال آن مطالعات ارتباطی با موضوعات سیاست اجتماعی ارتباط پیدا کرد.

■ ارتباط میان مطالعات ارتباطی و حوزه برنامه‌ریزی را باید در علوم اجتماعی و به ویژه در تئوری توسعه اقتصادی جست‌وجو کنیم زیرا با طرح سیاست‌های توسعه، به برنامه‌ریزی در مقوله توسعه ارتباطات نیز توجه شد.

جامعه‌ای پدید می‌آید که دارای پایه‌های توسعه یا فن‌آوری بالقوه باشد. بنابراین، ما با منابع ارتباطی و زیرساخت‌هایی در برابر اهداف سیاست توسعه عمومی مواجه هستیم که به واسطه مشارکت فن‌آوری تسریع شده‌اند. برنامه‌ریزی ارتباطات بر این اساس، فرایند فرموله کردن اهداف اجتماعی و همبسته کردن آن با پتانسیل نظام ارتباطی و استفاده از فن‌آوری برای تضمین بهترین تطبیق آن دو با یکدیگر است. براین اساس، چارچوب مرجع برای برنامه‌ریزی ارتباطات در نمودار شماره دو ترسیم شده است.

نمودار شماره ۲ - عناصر برنامه‌ریزی ارتباطات



همان‌گونه که در مفهوم برنامه‌ریزی ارتباطات بیان شد. مهم‌ترین مسأله در این خصوص، طراحی یک نظام ارتباطی است. این نظام که به عنوان یک واحد ارگانیک در درون جامعه شکل می‌گیرد. در واقع نظام متشکل از فعالیت‌های انسانی است که افراد، مؤسسات و گروه‌ها را شامل می‌شود. بنابراین بررسی ما پیرامون برنامه‌ریزی ارتباطات، با دو دیدگاه متفاوت دارای دو سطح خواهد بود. نخست باید نگاهی به یک نظام ارتباطی خاص داشته باشیم. نبود یک نظام ارتباط جمعی مشخص و تعریف شده به ویژه در کشورهای جهان سوم منتج به یک نوع سردرگمی در عملکرد ارتباطی می‌شده است و توده‌های مردم نیز در تقابل رسانه‌ها با یکدیگر گوشه‌گیری و بی‌تفاوتی را برمی‌گزیده‌اند و در واقع جلب مشارکت مردم که یکی از متغیرهای نهایی موردنظر در توسعه است به دور شدن آنها از مشارکت منجر می‌شده است.

مختلف دنیا به‌شمار می‌آید تاکنون سمینارهای منطقه‌ای متعددی را برگزار کرده است اما این سمینارها درباره موضوعات بسیار پراکنده پیشنهادها علمی ارائه کرده‌اند که از درون آنها سیاست‌های ارتباطی استخراج نشده است. حال این که برای دستیابی به سیاست‌های مشترک ارتباطی بین‌المللی ضروری است تا در گام نخست سیاست‌های ارتباطی ملی هر کشور تبیین شود. امروزه یونسکو در خصوص مطالعات برنامه‌ریزی ارتباطات رویکردهای سه‌گانه‌ای را در پیش گرفته است.

۱. ارائه چارچوب‌های برنامه‌ریزی بر پایه مفروضات مناسب (که این مقاله با نگاهی به برخی از این چارچوب‌ها تهیه شده است).

۲. تحقیقات موردی که کمتر بدان پرداخته شده است.

۳. مطالعه در خصوص مواد درسی موردنیاز به منظور آموزش برنامه‌ریزان.

### چارچوب مرجع

ساختار برنامه‌ریزی ارتباطات از دو عنصر مهم سیاست عمومی توسعه و زیرساخت‌های ارتباطی تشکیل شده و سپس توسط فن‌آوری مشروط می‌شود. ارتباطات فعالیت‌های انسانی به‌شمار می‌آید، اما انگیزه برنامه‌ریزی برای اختصاص، نگاهداری و سازماندهی اشکال آن در

کاملی متناسب با کاربران مشخص طراحی شود. علاوه براین که، به جنبه‌های دیگر فن‌آوری - جز سخت‌افزار که تعیین‌کننده نوع و الگوی روابط با سایر کشورهاست - باید توجه داشت.

با یک نظر اجمالی به موضوع برنامه‌ریزی می‌توان دریافت که برنامه‌ریزی ارتباطات با همان ویژگی‌های برنامه‌ریزی توسعه تبیین می‌شود از این منظر مباحث خاص برنامه‌ریزی ارتباطات در چهار محور مطرح می‌شود: الف: منابع ارتباطی، به ویژه رسانه‌های ارتباطی نظیر سایر منابع انسانی و مادی می‌باشند.

ب: آنها اهمیت بالقوه‌ای در فراگرد ارتباطات دارند که این اهمیت هم به عنوان یک فعالیت اقتصادی و هم به عنوان وسیله‌ای برای تقویت سایر فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مطرح می‌شود.

ج: به این ترتیب، آنها با رویکرد برنامه‌ای و انسجام یافته مفید واقع می‌شوند.

د: به منظور ارتقاء این انسجام و همبستگی، نیازمند ساخت‌ها و روش‌های مناسب هستیم.

تجربه برنامه‌ریزی در دنیا به دلیل مشکلاتی که در روش‌های کاربردی آن وجود دارد به‌کندی صورت پذیرفته است. یونسکو به عنوان مؤسسه‌ای بین‌المللی که متولی توسعه چنین تجربه‌هایی در مناطق

با ماتریس پایه زیر آغاز می‌کنیم تا با بررسی و تکمیل تدریجی آن به چارچوب مورد نظر نزدیک شویم:

جدول ۱. ماتریس برنامه‌ریزی پایه

سیاست‌ها	برنامه‌ریزی سیستم	اجرا	ارزیابی
تحقیق			
برنامه‌ریزی			
تصمیم‌سازی			

محور افقی شامل چهار بخش سیاست‌ها، برنامه‌ریزی، اجرا و ارزیابی به عنوان ارکان و مراحل فرایند برنامه‌ریزی است و محور عمودی که شامل تحقیق، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری است، در حقیقت نمایانگر فعالیت‌های به کار رفته در هر مرحله از فرایند برنامه‌ریزی است. فعالیت‌های مربوط به هر یک از ستون‌های بالا در جدول ۲ آمده است:

جدول ۲: ماتریس اجزاء ترکیب‌کننده

سیاست‌ها	برنامه‌ریزی سیستم	اجرا	ارزیابی
تحقیق	تحقیق در خصوص استراتژی‌های برنامه‌ریزی	تحقیق و آگاهی در توسعه روش‌شناسی و مطالعات مربوط به ارزیابی	تحلیل سیاست‌ها
برنامه‌ریزی	برنامه‌ریزی استراتژیک و عملی	بهبود و کنترل سیستم برنامه‌ریزی و هدایت ارزیابی	تنظیم اهداف
تصمیم‌سازی	ارزیابی و اصلاح برنامه‌ها	اجرا و تناسب سیاست‌های تفسیر اطلاعات مربوط به مصوب در سطح سازمانی ارزیابی و یا تعریف سیاست‌ها و استراتژی‌ها	مرور، اصلاح و بند بند نمودن سیاست‌ها

به سیاست‌ها و برنامه‌های ارتباطی به‌شمار می‌آید. در این بخش به یکی از این مطالعات پیرامون دستیابی به یک چارچوب مناسب در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ارتباطات می‌پردازیم و چگونگی تکوین مرحله به مرحله آن را مرور می‌کنیم.<sup>۱۳</sup>

برای برنامه‌ریزی، انواع و دسته‌بندی‌های مختلفی ذکر شده است که از جمله آنها می‌توان به تقسیم برنامه‌ریزی به چهار نوع تخیلی، واقع‌بینانه راهبردی و دموکراتیک<sup>۱۴</sup> یا دو نوع برنامه علمی و غیرعلمی<sup>۱۵</sup> اشاره کرد که برای هر یک ویژگی‌ها و مختصات بی‌شمار شده است. فصل مشترک تمامی این برنامه‌ها این است که چارچوب برنامه‌ریزی پیش‌شرایطی دارد که باید از فرایند کار بدانها توجه داشت. این پیش‌شرایط عبارتند از:

به این ترتیب، محتوای ضد توسعه و رو به تجدد از یک سو و محتوای منتهی به دور شدن مردم در مشارکت دو اثر تخریبی رسانه‌ها به‌شمار می‌آیند که نداشتن نظام ارتباطی و سیاست ارتباطی ملی تعریف شده، مشخص و هدف‌مند عامل آن محسوب می‌شود. البته باید توجه داشت که هیچ کشوری را نمی‌توان بدون سیاست‌های ارتباطی تصور کرد. ولی تفاوت در این است که آیا این سیاست‌ها به‌طور روشن و مدرن شناخته شده است یا در بستر عملکردهای تعریف نشده و پنهان قرار داد.<sup>۱۱</sup> سیاست‌های ارتباطی چه به‌طور مشخص در قوانین و مقررات و اصول رفتاری و قواعد و خط‌مشی‌ها ذکر شده باشند چه به‌طور ضمنی در عمل رعایت شوند، از آنجا که این گونه سیاست‌های ارتباطی ناقص در هر جامعه‌ای وجود دارد، بهترین کار این است که روش‌های کلی معمول در جامعه به وضوح بیان شوند و به گونه‌ای که به کار آینده هم بیاید تنظیم شوند.<sup>۱۲</sup>

سطح دوم بررسی این است که ما باید به ارتباطات در پرتو نظام‌هایی عام‌تر مانند فرایند توسعه بنگریم و در واقع با تحلیل چنین نظام‌هایی، نقش و جایگاه ارتباطات را دقیق‌تر تبیین کنیم. اگر یا چنین دیدگاهی، بار دیگر نمودار ۲ را مشاهده کنیم می‌توان نتیجه گرفت که بخش سایه‌زده تنها حوزه مورد مطالعه این موضوع نیست، بلکه باید هر دایره و رابطه آنها را با یکدیگر بررسی کرد.

#### به دنبال چارچوبی برای برنامه‌ریزی

یونسکو تحقیقات و مطالعات موردی متعددی را در حوزه برنامه‌ریزی ارتباطات سامان داده است و با انجام آنها به تجربیات و اصول علمی و عملی دست یافته که امروزه دست‌مایه بسیاری از پژوهش‌های ملی و فراملی شده است. یکی از مهم‌ترین ابعاد این مطالعات بررسی چارچوب‌های برنامه‌ریزی و ارائه آنهاست که گامی اساسی در سامان بخشی

جدول بالا راهنمایی درباره کارکردهای اساسی چارچوب مطرحه به‌شمار می‌آید. این کارکردها عبارتند از:

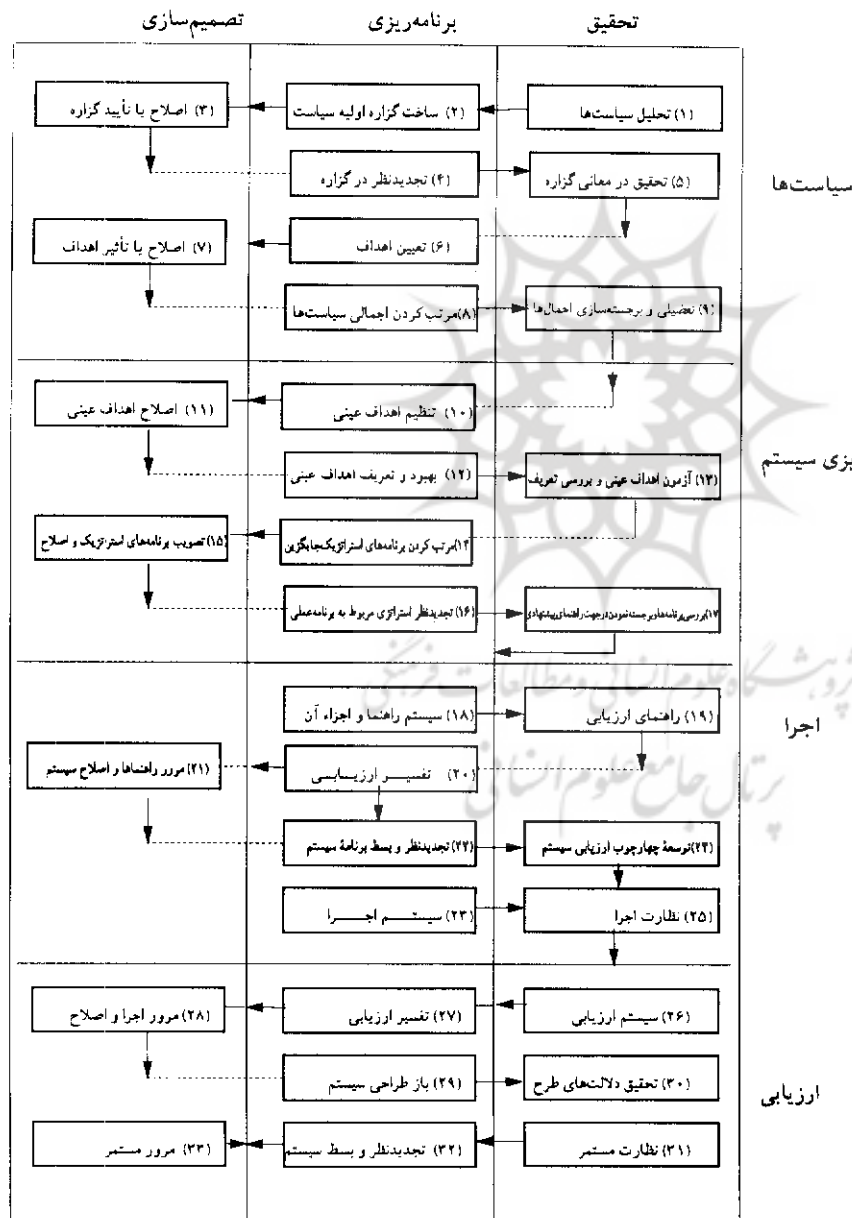
۱. محور افقی نشانگر ارتباط و ترتیب فعالیت‌های مختلفی است که در فرایند برنامه‌ریزی و اجرا محتمل هستند.
۲. محور عمودی نشانگر فعالیت‌هایی است که به صورت به هم پیوسته باید انجام پذیرند.
۳. نشانگر ارتباط ترکیبی بندهای یک و دو در فرایند برنامه‌ریزی سیستماتیک است.

فقدان ارتباط سیستماتیک و پویایی میان خانه‌های جدول از نقاط ضعف

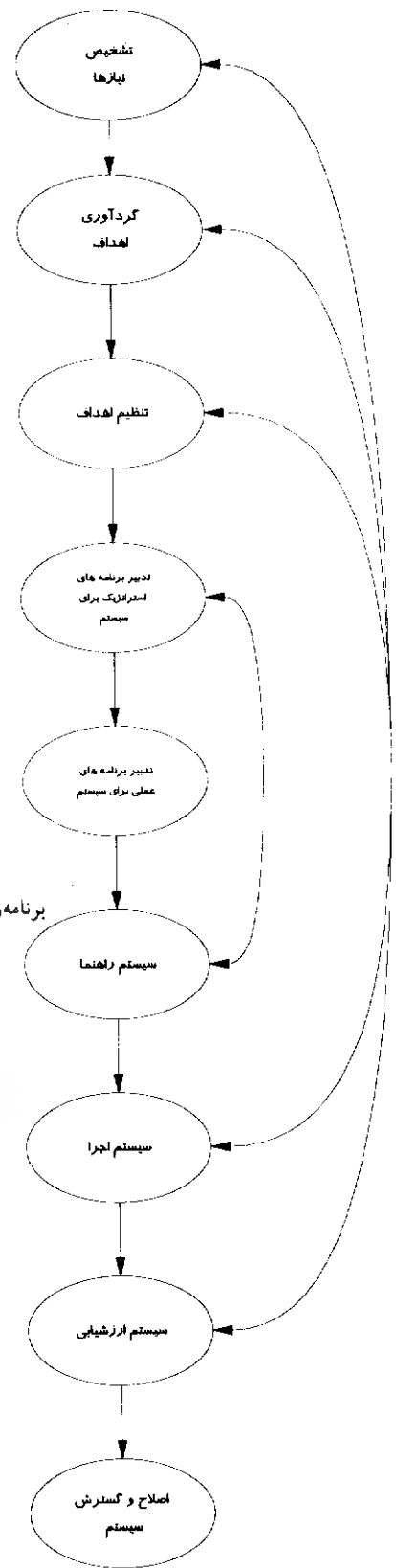
۱. داشتن انعطاف برای تطبیق سیستم‌های مختلف ارتباطات و پویا بودن برای پاسخگویی به تغییرات و افکار نو.
۲. واقعی بودن چارچوب: این به معنای ایجاد تعادل میان تئوری و عمل و ایجاد زنجیره‌ای میان مفاهیم سیاست و برنامه‌ریزی است.
۳. مورد توجه قرار دادن متدولوژی‌ها، ابزارها و شاخص‌های برنامه‌ریزی از سایر مکاتب.
۴. هدایت به سوی مراحل اجرایی کار. جست‌وجوی خود را برای ارائه چارچوبی مناسب و نسبتاً جامع و کارآمد

■ شاید سودمندترین جنبه مطالعات مدیریت و بازرگانی از نقطه نظر برنامه‌ریزان ارتباطی، زمینه‌های مربوط به تصمیم‌سازی و سیاست بخشی، تعامل درون گروهی، حل نزاع‌ها و تکنیک‌های برنامه‌ریزی گروهی باشد.

■ در سطح کلان، سیاستگذاران و برنامه‌ریزان ارتباطی از علوم اجتماعی همچون جامعه‌شناسی، علم سیاست، روانشناسی و علوم رفتاری و تئوری سازمانی و تصمیم‌سازی بهره می‌گیرند. ■ با یک نظر اجمالی به موضوع برنامه‌ریزی می‌توان دریافت که برنامه‌ریزی ارتباطات با همان ویژگی‌های برنامه‌ریزی توسعه تبیین می‌شود.

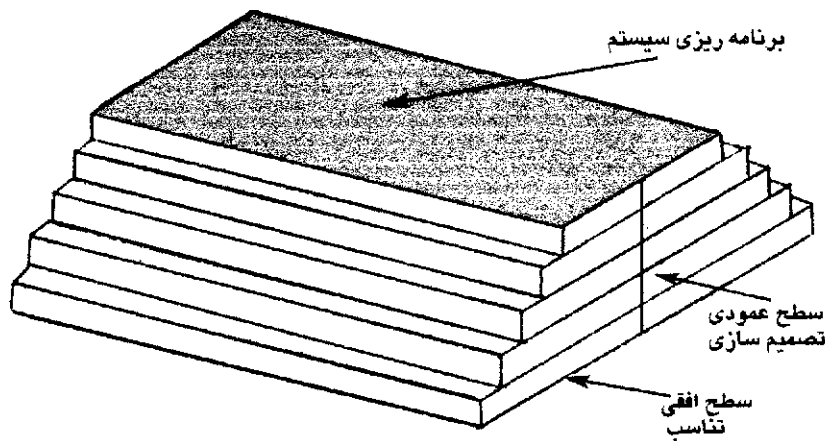


نمودار ۴: چارچوبی برای برنامه‌ریزی



نمودار ۳: سیستم‌های برنامه‌ریزی براساس اهداف





چارچوب ترسیمی است. ترتیب معمول فرایند برنامه‌ریزی براساس اهداف، از سیاست‌ها آغاز شده و تا گزاره‌های هدفی، اهداف عینی، برنامه‌ریزی استراتژیک و عملی، پیش‌الگوسازی و اجرا ادامه می‌یابد که با ترتیبی از تصمیم‌ها و چرخه‌های ارزیابی تقویت می‌شود. نمودار شماره ۳

به منظور تبیین مراحل برنامه‌ریزی سیستمی براساس اهداف ترسیم شده‌ای که در واقع فعالیت‌های مربوط به محور افقی جدول ۲ را با تفصیل بیشتر و با بیان ارتباط و پویایی اجزاء آن تبیین می‌کند. نمودار شماره ۳ گامی به پیش برای دستیابی به چارچوب برنامه‌ریزی به‌شمار می‌آید. مزیت‌های این چارچوب که به‌طور عمده، با بهره‌گیری از محور افقی جدول پیشین طراحی شده است عبارتند از: بیان فعالیت‌ها بر پایه تحول و ترتیب، تبیین پویایی و ارتباط میان فعالیت‌ها، در مقابل، مهم‌ترین محدودیت‌های این چارچوب را باید در تک بعدی بودن آن و توجه کمتر به محور عمودی جدول قبل بدانیم.

در مرحله بعد باید مزیت‌های جداول و نمودار قبلی را به کار گرفت و تا حد امکان از نواقص و محدودیت‌های آنها کاست. به این منظور، نمودار شماره ۴ ارائه می‌شود. در این نمودار که چارچوبی اساسی برای بحث‌های مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی بشمار می‌آید، ماتریسی منظور شده است و در هر خانه آن فعالیت‌های متعددی پیش‌بینی شده و تحول و ترتیب آنها با فلش‌هایی به نمایش در آمده‌اند. به این ترتیب، ارتباط ترکیبی میان فعالیت‌های موردنظر محورهای عمودی و افقی به خوبی بیان شده و تعامل میان فرایندهای برنامه‌ریزی از جمله میان تحقیق و ارزیابی و نیز مسیر اصلی برنامه‌ریزی و انواع تصمیم‌سازی‌ها دیده شده است. در نتیجه، شبکه‌ای از فعالیت‌های مربوط به سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی طراحی و ارائه شده است که

### نمودار شماره ۵: سطوح تصمیم‌سازی و تناسب

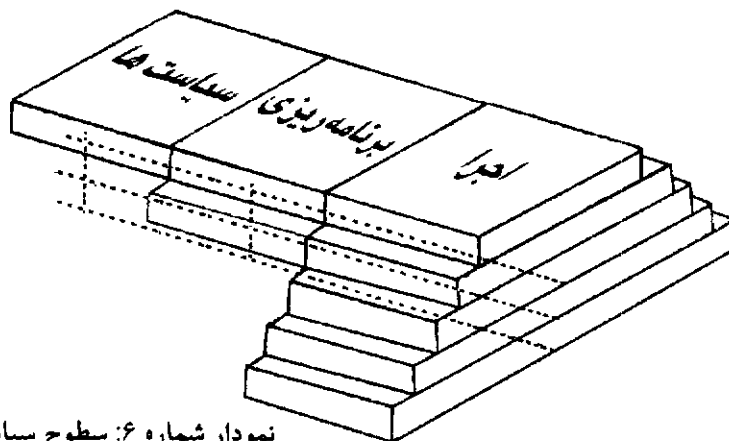
محور عمودی نمودار به نمایش در آمده است که شامل سطح ملی (در بالا) و منطقه‌ای، محلی و ناحیه‌ای (در پایین) می‌باشد. طبیعت هرمی و سلسله‌مراتبی اغلب ساخت‌های ملی سبب می‌شود که نوعی چارچوب برنامه‌ریزی پیش‌بینی شده که در آن تناسب زیر سیستم‌های گوناگون رعایت شده باشد و این مسأله در محور افقی نمودار بیان شده است. در بعد طولی آن که در سطح رویین با هاشور مشخص شده است که بیان‌کننده فعالیت‌های مختلف برنامه‌ریزی سیستم است که در همه سطوح انجام می‌شود. هر سه بعد مذکور، باید از فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مورد توجه قرار گیرند تا برنامه‌ها قرین توفیق شود، گرچه در عمل قیدها و محدودیت‌ها عمیق‌تر و سنجیده‌تر می‌شوند.

این نمودار نیز با وجود مزیت‌های مذکور، با محدودیت‌ها و نواقصی نیز روبه‌روست. نخست این که در فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تأثیر ارزیابی و بازخورد باید مورد توجه قرار گیرد. اگر در این فرایند نظارت و ارزیابی مستمر برنامه‌ریزی و اجرا وجود داشته باشد این ویژگی اجازه می‌دهد که اصلاح مستمر و حساسیت نسبت به تغییر شرایط و نیازها در مراحل مختلف کار اعمال شود. از این رو، فرایند برنامه‌ریزی مبتنی بر تداوم زمان، امری نادرست خواهد بود. چرا که این کار نقطه آغاز و پایانی ندارد و به صورت یک چرخه و تکراری انجام می‌پذیرد. در حالی که در نمودار، این

می‌تواند در بیان چارچوبی برای این فرایند بسیار راهگشا باشد. چارچوبی که برای برنامه‌ریزی در نمودار ۴ ارائه شده علاوه بر مزیت‌هایی که از آنها بهره‌مند است محدودیت‌هایی نیز دارد. از جمله این که نمودار مذکور اساساً دو بُعدی است و میان فعالیت‌ها و نقش‌ها در یک دوره ارتباط برقرار می‌کند ولی از سایر ابعاد مربوط به تناسب، یکپارچگی و ساخت غفلت می‌کند. همچنین میان سطوح مختلف تحلیل و تصمیم‌سازی که در یک شبکه برنامه‌ریزی باید مورد توجه قرار گیرد، تفاوتی قائل نمی‌شود به ویژه در سطح ملی که مؤسسات و نهادهای گوناگونی درگیر این فرایند می‌شوند.

با توجه به محدودیت‌هایی که ذکر شد، نمودار ۵ به صورت سه بُعدی طراحی شده است. این نمودار به دنبال تبیین این مقصود است که شبکه مطروحه در نمودار قبل، از خلال ساخت‌های نهادی و تصمیم‌سازی یک جامعه به سوی پایین و اطراف نیز سرایت می‌کند در نمودار ۵ به سطوح مختلف کار توجه شده است. در حقیقت تمامی فعالیت‌های مطرح شده، در بسیاری سطوح مختلف سازمان صورت می‌پذیرد. به عنوان مثال، اهداف برنامه و تطبیق آن با اهداف موردنظر، کارکردی است که در تمامی سطوح وجود دارد و هر بخش نیازمند این است که برنامه‌های خود را مطابق با آنها تنظیم کند و ارتقاء بخشد.

سطوح مختلف تصمیم‌سازی در



نمودار شماره ۶: سطوح سیاست‌سازی

باید برای تحقق آن، ترکیبی از نمایندگان دائمی حوزه تحقیق و تصمیم‌سازی در کنار سایرین حضور داشته باشند. این نوع مشارکت در برنامه‌ریزی از سوء تفاهم‌ها و برداشت‌های نادرست، تفسیرهای غلط اطلاعات، احساس‌های مربوط به بکار گرفته نشدن در مسیر برنامه‌ریزی و اقدام‌های مخرب سیستم جلوگیری کرده و در استفاده بهینه از زمان و منابع یاری می‌رساند. □

### نتیجه‌گیری

در این مقاله سعی شد تا چارچوبی کلی برای برنامه‌ریزی ارائه شود که در آنها حداکثر مزایا پیش‌بینی شده است ولی مشاهده کردیم که هیچ‌کدام از آنها مطلق نبوده و هر کدام در ابعادی دارای ضعف‌ها و محدودیت‌هایی می‌باشند. نباید فراموش کرد که هر چارچوبی بنا بر کاربر موردنظر از آن، در بیان فرایند برنامه‌ریزی می‌تواند از دیگری متفاوت باشد. به ویژه این که در عمل، پیچیدگی‌های ساختاری وجود دارد و این چارچوب‌ها باید به شرایط، تحولات و نیازهای خاص هر سازمان اجتماعی نیز نظر داشته باشند. با این حال، چارچوب می‌تواند به‌طور خاص مبین ویژگی‌های فرایند سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی باشد. همان‌گونه که دیدیم، در چارچوب‌های طرح شده نه تنها نقش تحقیق و برنامه‌ریزی و تصمیم‌سازی به خوبی مورد توجه قرار گرفت، بلکه بر تعامل میان آنها نیز تأکید شد. جدای از توجه به این فرایند و ابزارهای مورد نیاز آن، این چارچوب‌ها روشن می‌کند که برای پر ثمر ساختن و بهره‌وری این امر به چه ابعادی باید توجه داشت. از جمله آنها توجه به میان رشته‌ای بودن تیم‌های برنامه‌ریزی است. در نمودار ۵ بیان شد که تبادلات موجود میان ارکان مختلف کار چگونه صورت می‌پذیرد و حضور آنها در هر مرحله از کار به چه ترتیب سبب تعمیق و تصحیح این سیر می‌شود. این تبادلات نباید در حد نامگذاری باقی بماند، بلکه

ویژگی مورد توجه قرارنگرفته است. دوم این که تناسب نشان‌گذاری در آن ناقص است چراکه هر نوعی از شبکه برنامه‌ریزی در نهادهای مختلف که در هر سطح سازمانی به فرایند برنامه‌ریزی مرتبط می‌شود، ویژگی‌هایی را دارد که با نوع دیگر متفاوت است. ولی در نمودار موردنظر، همه آنها صورتی یکسان یافته‌اند.

نمودار شماره ۶ با هدف برطرف ساختن نقصی که ذکر آن رفت، تهیه و ارائه شده است. در این نمودار نشان داده می‌شود که مهم‌ترین موضوعات سیاست‌بخشی در بالاترین حد سازمانی صورت می‌پذیرد و موضوعات برنامه‌ریزی به تعدادی محدود از سطوح پایین‌تر تسری می‌یابد، حال این که این سیاست‌ها و برنامه‌ها در تمامی سطوح از طریق مراحل، اجرایی حاصل می‌شود.

مدل‌های ۵ و ۶ یک ساخت هر می را منظور دارند که ممکن است با مقاومت مخالفان برنامه‌ریزی سلسله مراتبی روبه‌رو شود و از سوی دیگر مسأله مشارکت یا برنامه‌ریزی باز سبب می‌شود که در محور عمودی، دو یا چند طریق از بالا به پایین و از پایین به بالا در شکل‌دهی سیاست‌ها و برنامه‌ریزی منظور شود که سبب پیچیده‌تر شدن نمودارها می‌شود. همچنین مسأله دیگری همانند پیچیدگی‌های ساختاری وجود دارند که این چارچوب‌ها را پیچیده‌تر می‌کنند. آنچه که بیان شد، در واقع مهم‌ترین محدودیت‌های مدل ارائه شده است.

### پی‌نوشت‌ها:

۱. قاضی، ابوالفضل. برنامه‌ریزی در پنج کشور اروپای غربی و شرقی، ترجمه ابوالفضل قاضی. تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی، ۱۳۴۶، مقدمه مترجم، ص الف - ج.
۲. پهلوان، چنگیز. سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در فرهنگ و ارتباطات. جزوه درسی. تهران: دانشگاه امام صادق، ۱۳۷۴.
3. Kleberg, Carl - Johan - The State and Culture. Stockholm: Swedish Ministry of Education and Cultural Affairs, 1970. p.3.
4. Hancock, Alan. Communication planning for Development. Unesco: 1981. p. 12.
۵. پهلوان، مارشال. برنامه‌ریزی و رشد شتابان، ترجمه نسرین فقیه. تهران: انتشارات کتاب زمان، ۱۳۵۲، صص ۳۰-۳۲.
۶. احمدی، حسن. روش برنامه‌ریزی در بخش فرهنگ. تهران: سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۵۰، ص ۸.
۷. پرویز، محمدحسن. مقدمات برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: چاپخانه اتحاد، ۱۳۵۶، ص ۴۰.
8. Hancock. Ibid. p. 13.
۹. تهرانیان، مجید. نقش رسانه‌های گروهی در توسعه ملی ایران. به نقل از ارتباطات و توسعه و برنامه‌ریزی ارتباطی در ایران، نوشته هادی خانجکی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
10. Hancock. Ibid. pp. 18-19.
11. Ibid. p. 22.
۱۱. محسنیان‌راد، مهدی. ارتباط جمعی و توسعه روستایی. صص ۳-۳۲.
۱۲. لی. جان. به سوی سیاست‌های واقع‌بینانه ارتباطی. ۱۳۵۶، صص ۶-۷۵.
۱۳. این بخش تلیخیص و ترجمه‌ای است از: Hancock. Ibid. Chapter 2.
۱۴. رک به: پهلوان، چنگیز. فرهنگ و برنامه‌ریزی. تهران: پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۸، صص ۵۶-۴۱.
۱۵. رک به: پهلوان، همان منبع، صص ۳۸-۲۹.